

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه شهید بهشتی - تهران

دانشکده حقوق

پایان نامه اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان:

«سیاست جنائز مشا رکتی در اسلام»

استاد راهنما:

دکتر محمد علی اردبیلی

استاد مشاور:

دکتر محمد علی حسین نجفی ابرندآبادی

۱۳۹۵

تأیید:

رضا بنی آدم شتیان

سال تصویب ۷۵ - ۷۶

تقدیم به:

**تقدیم به پدر و مادرم که به راه حق
رهنمون ساختند و به همسرم که مشکلات
دوران تحصیل را با بردباری تحمل کرد.**

19574

مرکز خدمات روانشناسی

تقدیر و تشکر

در اینجا بر خود فرض می‌دانم که از آقای دکتر اردبیلی که زحمت راهنمایی پایان‌نامه را پذیرفتند و در مراحل مختلف تصویب و تحریر این رساله، از راهنمایی‌های ارزنده خویش اینجانب را بهره‌مند ساختند سپاسگزاری نمایم و هم‌چنین از آقای دکتر نجفی که مسؤلیت مشاوره پایان‌نامه را بر عهده داشتند و با ارائه نظرات خویش، مرا هدایت و ارشاد نمودند.

پیشگفتار

رشد روزافزون پدیده مجرمانه و ظهور اشکال و حجم‌های نوین بزه و بزهکاری، عدم کارایی و موفقیت کامل ابزارهای نظام سنتی حقوق کیفری، در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران، طرح این گرایش از سیاست جنائی را بر پایه مشارکت هر چه وسیع‌تر مردم و تشکلهای مردمی و نهادهایی اجتماعی در مراحل پیشگیری از جرم و نیز مراحل اجرای عدالت کیفری را در آموزه‌های کیفری سبب شده است.

رویکرد جدید در استفاده از نقش مردم در مقابله با بزهکاری علاوه از کاستن از هزینه بودجه عمومی مشروعیت نظام را نیز بالا برده و امید به تقلیل روند افزایش بزهکاری را در آینده زنده می‌کند، ولی بررسی‌های آماری و تحقیقی نشان می‌دهد که علیرغم وفور آموزه‌ها در دوران معاصر که خود معلول ناامیدی در برابر تمام آموزه‌های پیشنهادی بود، با وجود این که به تمامی وارد حقوق جزای موضوعه شدند. بزهکاری به طور نگران‌کننده‌ای به رشد خود ادامه داده و تغییر شرایط زندگی برای توضیح و افزایش بزهکاری کافی نبود.

سیاست جنائی به عنوان طرحی نوین در اداره پدیده مجرمانه خود دچار بحرانهایی در پاسخ مناسب

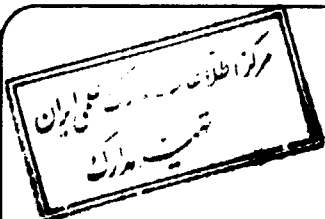
به بزهکاری است. یافتن راه‌حلهای جدید در مقابله با پدیده مجرمانه لازم بود. در کشور ما با استقرار نظام جمهوری اسلامی یافتن راه‌حلهای و آموزه‌های جدید بر مبنای تعالیم آسمانی اسلام، ضرورت پرداختن به این موضوع را دو چندان نموده و رساله حاضر که در حد بضاعت و گنجایش به بررسی نحوه مقابله با جرم با شرکت جامعه غیررسمی پرداخته، تلاشی در این راستا می‌باشد، که به جهت نبودن منابع تحقیق منسجم و روزآمد از طرفی و جدید بودن تفکرات مبتنی بر مشارکت مردم امر تحقیق با مشکلات عدیده‌ای روبرو بود. پاسخ به اینکه نقش مردم و نهادهای مردمی در اسلام به عنوان رکن غیررسمی جامعه در جهت مشارکت فعال و مثبت با دولت-رکن رسمی جامعه- در زمینه برنامه‌های سیاست جنائی تا چه حد مؤثر بوده و آیا می‌تواند کارائی لازم را داشته باشد از رسالت‌های این رساله است.

فرضیه‌های تحقیق:

- ۱- روند رو به تزاید جرم قابل مهار با اندیشه‌های جدید مطرح شده در آموزه‌های کیفی در مکاتب بشری نیست.
 - ۲- مبارزه با جرم در محدوده صلاحیت دولت به عنوان نهاد رسمی کارائی لازم را ندارد، بلکه ضرورت مبارزه با پدیده مجرمانه و همگامی جامعه سیویل با دولت در مبارزه با انحراف و بزه از لابلای متون جدید مشهود است.
- اهداف موردنظر تحقیق بررسی و تبیین دیدگاه و رویکرد اسلام به مشارکت مردم در قلمرو سیاست جنائی است. تبیین و توضیح جایگاه مشارکت، در برنامه‌های پیشگیری از جرم، در نهایت اینکه شرکت وسیع مردم موجب کارائی و مشروعیت برنامه‌های مقابله با جرم شده و ضمن افزودن به کارائی، بار

دولت را کم می‌کند.

در این تحقیق ابتدا منابع موجود در سیاست جنائی با مراجعه به کتابخانه‌ها فیش برداری و اغلب کتابها به جهت بعد مسافت، خریداری و درگام بعدی با بررسی و مطالعه و تبادل نظر با اساتید صاحب نظر اطلاعات جمع‌بندی و پس از تجزیه و تحلیل نتیجه‌گیری گردید.



۲۰ / ۱۱ / ۱۳۷۹

«فهرست مطالب»

| صفحه | عنوان |
|--------|----------|
| | پیشگفتار |
| ۱..... | مقدمه |

فصل اول : کلیات سیاست جنائی

| | |
|---------|---|
| ۱۰..... | گفتار نخست: معنا و مفهوم سیاست جنائی..... |
| ۱۰..... | الف - معنای لغوی سیاست جنائی..... |
| ۱۱..... | ۱- معنای لغوی سیاست..... |
| ۱۱..... | ۲- جنائی بودن سیاست..... |
| ۱۲..... | ب - معنای اصطلاحی سیاست جنائی..... |
| ۱۳..... | ۱- پدیده مجرمانه..... |
| ۱۴..... | ۲- پاسخگوئی و نحوه آرایش پاسخگوئی جامعه علیه پدیده مجرمانه..... |

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۱۴ | گفتار دوم: سیر تکوین سیاست جنائی |
| ۱۵ | الف- تبیهی بودن واکنش |
| ۱۶ | ب- دولتی بودن واکنش |
| ۱۶ | ج- واکنش تنبیهی در برابر جرم |
| ۲۴ | گفتار سوم: موضوع و قلمرو سیاست جنائی |
| ۲۴ | الف- دیدگاه و برداشت مضیق از سیاست جنائی |
| ۲۴ | ب- مفهوم موسع سیاست جنائی |
| ۲۶ | ۱- سیاست جنائی و حقوق کیفری |
| ۲۷ | ۲- سیاست جنائی و جرم‌شناسی |
| ۲۹ | گفتار چهارم: اهداف سیاست جنائی |
| ۳۲ | گفتار پنجم- انواع سیاست جنائی |
| ۳۲ | الف- با توجه به رژیم حاکم یا طبقه‌بندی ایدئولوژیک |
| ۳۴ | ۱- ایدئولوژی مبتنی بر دموکراسی و سوسیال دموکراسی |
| ۳۷ | ۲- سیاست جنائی کشورهای مارکسیست-اقتدارگرا اقتدارگرای فراگیر |
| ۴۰ | ۳- رژیمهای مبتنی بر دموکراسی مذهبی-اسلام |
| ۴۵ | ب- با توجه به عامل اجرا |
| ۴۵ | ۱- سیاست جنائی رسمی |
| ۴۶ | ۲- سیاست جنائی مشارکتی |
| ۴۶ | ۳- سیاست جنائی خودجوش |

صفحه

عنوان

فصل دوم: سیاست جنائی رسمی و غیررسمی در اسلام

| | |
|----|-----------------------------------|
| ۴۷ | گفتار اول - سیاست جنائی رسمی |
| ۴۷ | الف - سیاست جنائی رسمی - کیفری |
| ۴۸ | ۱- حدود |
| ۵۱ | ۲- قصاص |
| ۵۲ | ۳- دیات |
| ۵۴ | ۴- تعزیرات |
| ۵۵ | ب - سیاست جنائی رسمی - فرائیفری |
| ۵۵ | ۱- اداره حسبه |
| ۶۰ | ۲- اصلاح و اداره امور مسلمین |
| ۶۳ | گفتار دوم - سیاست جنائی غیررسمی |
| ۶۴ | الف - سیاست جنائی غیررسمی - کیفری |
| ۶۴ | ۱- مشارکت در اجرای احکام حدود |
| ۶۷ | ۲- مشارکت در اجرای حکم قصاص |
| ۶۸ | ۳- مشارکت مردم در اجرای حکم دیه |
| ۷۰ | ۴- کفارات |
| ۷۲ | ۵- توبه |
| ۷۶ | ۶- جبران و اعاده به صورت سابقه |

صفحه

عنوان

- ب - سیاست جنائی غیر رسمی - فراکیفری ۸۱
- ۱- امر به معروف و نهی از منکر ۸۱
- ۲- مشارکتهای مالی شرعی و مذهبی ۸۸
- ۳- تشویق عمل به احکام دینی یا ارزش سازی ۱۰۳
- نتیجه گیری ۱۳۵
- منابع و مآخذ ۱۳۹

مقدمه

الف - سیر مبارزه با جرم در آئینه اندیشه‌های کیفری در غرب

با هبوط انسان اولین جنایت تاریخ به وقوع پیوست و به تبع آن واکنشهایی در برابر آن بوجود آمد. در اعصار و امصار گذشته، جوامع مختلف تحت تأثیر افکار حاکم بر گروه و رئیس قبیله، تدابیر و شیوه‌های متفاوتی را در برخورد با جرم و مقابله با جرم در پیش گرفتند و شیوه‌های خشن و غیرانسانی، برخورد با مجرمین، هراز چندگاهی تحت تأثیر افکار بلند مصلحان اجتماع و خیراندیشی اندیشه‌ورانی چون افلاطون و ... تعدیل می‌شد؛ ولی روش برخورد سرکوبگر و مخرب، به جهت عدم توجه کافی به جایگاه انسانی به شدت مورد توجه و عمل بود.

به طور کلی بزه با تشکل و سازمان یافتن و تشکل اجتماعات انسانی ظاهر می‌شود و جوامع بشری به منظور تضمین و حفظ ارزشهای بنیادین و پاسداری از نظامات عمومی جامعه، دست به تدوین و وضع مقررات و قواعدی در جهت اداره امور جامعه می‌زند و از ابتدا آحاد جامعه را به شیوه‌های رعایت قواعد و قوانین حاکم راهنمایی کرده و ناقضین قانون را به واکنش جزائی و کیفری تهدید می‌کنند.

بروز واکنش در برابر آن دسته از افعال یا ترک افعالی که بیانگر ضدیت و مقاومت علیه ارزشهای نظم اجتماعی بوده از دیرباز از ناحیه دولت و به صورت تنبیهی و سرکوبگرانه و در برابر جرائم بود. بتدریج و تحت تأثیر آموزه‌های کیفری انسان‌گرایانه و طرح مباحث مربوط به علل وقوع جرم از ناحیه مکاتب مختلف فکری، سرکوبی محض مجرم در معرض تردیدهای جدی قرار گرفته و در کنار سیاست کیفری، اندیشه مبتنی بر سیاست جنائی شکل می‌گیرد. گرچه برای اولین بار که آنسلم فوئرباخ اندیشمند آلمانی و واضع واژه سیاست جنائی، آن را در معنای کامل سیاست کیفری، یعنی برخورد دولت در برابر جرم و به صورت تنبیهی و سرکوبگر استعمال کرد در عین حال زمینه طرح اندیشه‌های گسترده را پایه‌گذاری نمود. تا جائیکه در سال ۱۸۸۹ فون لیست دانشمند دیگر آلمانی و از بنیانگذاران اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری، در تعریفی که از سیاست جنائی ارائه می‌دهد، از یکسو اقدام انحصاری دولت و از سوی دیگر بکارگیری محض زرادخانه کیفر را شدیداً در معرض تردید قرار داد.

تعریفی که فون لیست از سیاست جنائی می‌دهد، مبین ضرورت دخالت جامعه غیررسمی - سیویل - در کنار جامعه رسمی - دولت به معنای عام - در اداره جرم از طرفی و مؤید استفاده از ابزارهای فراکیفری در کنار ابزارهای کیفری در قبال جرم است.

قطع نظر از تعریفی، صرفاً مبتنی بر سیاست کیفری که از طرف «دندیو دوابر» قاضی دادگاه، نورنبرگ از سیاست جنائی ارائه می‌شود با ورود به فضای قرن بیستم اندیشه‌های مبارزه با جرم، برخورد صرف از ناحیه دولت با جرم بوسیله دستگاه عدالت کیفری، به سوی برخورد با پدیده مجرمانه و پیشگیری از جرم و استفاده از ابزارهای کیفری و فراکیفری که از ناحیه افراد و دولت به طور مشترک صورت می‌گیرد، گرایش پیدا می‌کند. بطوریکه امروزه دیگر مبارزه با جرم از ناحیه دولت و با ابزارهای سرکوبگر طرفداران زیادی ندارد. در کنار ابزارهای کیفری، استفاده از ابزارهای فراکیفری توصیه می‌شود و متولی مبارزه با

جرم تنها دولت نیست بلکه مردم در کنار دولت مسؤول سازمان‌دهی و مشارکت در مبارزه با جرم و انحراف می‌باشد.

پس از پایان جنگ دوم جهانی و تحت تأثیر جنایاتی که بوجود آمده بود، مکاتب فلسفی و کیفری ظهور کرد، که محور تفکرات خود را دفاع از حقوق انسانی و تعالی اصول حقوق بشر در نظام و فرایند کیفری قرار داد تا جائیکه فیلیپوگراماتیکا ایتالیایی اندیشه افراطی الغاء نظام کیفری و جایگزینی نظام داوری و حل فصل و جایگزینهای مدنی و اداری را مطرح ساخت.

در تفکر مبتنی بر سیاست جنائی ارائه شده از طرف «مارک آنسل» و اندیشه‌های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین که در سال ۱۹۵۴ ارائه گردید، اندیشه‌های افراطی «فیلیپوگراماتیکا» تعدیل گردید. پس از آن سیاست جنائی مبتنی بر جرم‌شناسی اصلاح و درمان از ناحیه «موریس کوسون» با طرح دو مطلب *Nothing work, No Thing move* در معرض شدیدترین حملات واقع گردید و جرم‌شناسی اصلاح و درمان به خاطر ناکارائی در مبارزه با روند روزافزون بزه و بزهکاری و تقلیل آن با شکست مواجه گردید.

اوج بینش موسع در باب سیاست جنائی در سال ۱۹۸۰ و بعد، از ناحیه خانم، دلماس-مارتی و کریستین لازرژ مطرح گردیده که بر مبنای آن جامعه غیررسمی در کنار جامعه رسمی با استفاده از ابزارهای کیفری و فراکیفری، امر مبارزه با پدیده مجرمانه-جرم و انحراف-را سازماندهی می‌کند.

طرح دیدگاه جدید الغاء دستگاه عدالت کیفری از ناحیه «هلمسن هلندی» و احیاء تفکرات مبتنی بر فائده‌گرایی و سودمندی مجازات از یک طرف معلول عدم موفقیت سیاست جنائی مبتنی بر جرم‌شناسی اصلاح و درمان از طرف دیگر مبین ناتوانی اندیشه‌های کیفری در زمینه کنترل، تقلیل و یا امحاء بزهکاری است.

و فور خود آموزه‌های کیفی خود دلیل مبرهنی بر عدم توفیق نظریه‌های مکاتب فکری در مبارزه مؤثر علیه بزهکاری است، بزه و بزهکاری از نظر حجم و کیفیت زو به فزونی است و هر روز آموزه‌ای و نظریه‌ای بر ویرانه‌های نظریه قبلی بنا می‌شود و خود روزی به آوار می‌نشیند.

ب- نحوه برخورد با جرم در اسلام

دین اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین آسمانی از ناحیه پیامبر (ص) به بشریت عرضه شد، دینی که واضح و شارع آن خداوند متعال بوده و تبلیغ آن نیز بر عهده رسول اکرم (ص) و حفظ و نشر و تبیین احکام کتاب سنت را امامان معصوم عهده‌دار بودند و فقیهان جامع الشرائط و وظیفه استنباط و افتاء در آن را عهده‌دار هستند. (۱)

نگاهی اجمالی بر احکام و قوانین اسلام و بسط آنها در همه شوون جامعه اعم از عبادی و قوانین اقتصادی و حقوقی و سیاسی، ما را بر این واقعیت آگاه می‌سازد که این آئین آسمانی تنها در احکام عبادی و دستورات اخلاقی خلاصه نمی‌شود. (۲)

ابعاد سیاسی اجتماعی مربوط به اصلاح زندگی دنیوی، نه تنها در احکام حقوقی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام ملحوظ است؛ بلکه حتی احکام عبادی اسلام که همانا وظائف خاص بندگان در قبال آفریدگارشان است، عاری از عنصر سیاست نیست. (۳)

۱- گرجی، ابوالقاسم: مقالات حقوقی تهران انتشارات دانشگاه تهران، قانون و حکومت در اسلام، ۱۳۶۹، صص

۲۷۸ و ۲۷۹

۲- موسوی الخمینی، روح الله: شوون و اختیارات ولی فقیه، تهران، انتشارات وزارت ارشاد، چاپ دوم پائیز

۱۳۶۹، صص ۱۹ و ۲۰

۳- همان صص ۱۹ و ۲۰